

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفتم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۴

## واژه، طر حوارۀ تصویری و تفاوت‌های فردی، پژوهشی بر پایهٔ ارتباط بدنی

محمدحسین شرفزاده<sup>۱</sup>

فردوس آقاگل زاده<sup>۲</sup>

آزیتا افراشی<sup>۳</sup>

شهلا رقیب دوست<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۱/۹/۲۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

شکل‌گیری واژه‌ها و مفاهیم در ذهن افراد یکی از جنبه‌های پیچیده در زبان‌شناسی شناختی به شمار می‌رود. برای دستیابی به آنچه در ذهن می‌گذرد، از روش‌های گوناگونی از جمله ارتباط بدنی استفاده می‌شود.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

[h.sharafzadeh@miau.ac.ir](mailto:h.sharafzadeh@miau.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسندهٔ مسئول)؛ [Aghagolz@modares.ac.ir](mailto:Aghagolz@modares.ac.ir)؛

<sup>۳</sup> دانشیار پژوهشکدهٔ زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ [aafraشي@ihcs.ac.ir](mailto:aafraشي@ihcs.ac.ir)؛

<sup>۴</sup> استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛ [neishabour@hotmail.com](mailto:neishabour@hotmail.com)

در پژوهش حاضر، از این روش برای شناسایی چگونگی شکل‌گیری مفاهیم در ذهن افراد با خصوصیات روان‌شناختی و شخصیتی مختلف استفاده شده است به این ترتیب که با استفاده از آزمون‌های مربوط، خصوصیات روان‌شناختی مختلف شامل بهره‌ی هوشی، درون‌گرایی/بیرون‌گرایی، اضطراب و عزت‌نفس ۲۰۰ آزمودنی مورد سنجش قرار گرفت و از میان آنها ۹۵ نفر به اجرای ۳۰ واژه‌ی منتخب بر اساس راهکارهای ریسی بیسی و پگی (۱۹۹۱) برای مخاطبان خود پرداختند؛ طرحواره‌های تصویری استفاده‌شده توسط آنان، مورد بررسی قرار گرفت، سپس رابطه‌ی بین نسبت استفاده از طرحواره‌های متفاوت و خصوصیات روان‌شناختی مختلف مورد تحلیل قرار گرفت. آنچه حاصل شد، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار در نسبت استفاده از طرحواره‌های برخی واژه‌ها با خصوصیات روان‌شناختی است. این رابطه در مورد خصوصیات روان‌شناختی باثبات‌تر بیشتر می‌باشد؛ بدین معنی که خصوصیات روان‌شناختی بهره‌ی هوشی و درون‌گرایی/بیرون‌گرایی، نقش مؤثرتری نسبت به عزت‌نفس و پس از آن اضطراب در ایجاد تفاوت معنادار در تنوع طرحواره‌های مورد استفاده برای نشان دادن واژه‌های مختلف ایفا می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** واژه، زبان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی زبان، طرحواره‌ی تصویری، ارتباط بدنی

## ۱. مقدمه

زبان بشر نظامی پیچیده است که بخشی از واقعیت‌های شناختی عام را می‌نمایاند. شناخت، بر عملکرد ذهن بشر و چگونگی دریافت اطلاعات وی از دنیای پیرامون به وسیله‌ی حواس دلالت دارد و زبان در این میان ابزاری است برای دستیابی به چگونگی سازمان‌دهی ذهن و شناخت بشری.

کشف آنچه در ذهن بشر می گذرد، همواره مورد توجه دانشمندان علوم مختلف، از جمله زبان شناسان به ویژه متخصصان علوم شناختی<sup>۱</sup> و زبان شناسان شناختی بوده است. هر یک از این افراد به تناسب تخصص خود از یک بُعد به ذهن و کشف مکنونات آن پرداخته اند. در این میان، زبان شناسان شناختی به بررسی ذهن و ارتباط آن با زبان پرداخته اند.

در این پژوهش برآنیم تا با برقراری ارتباط بین علوم مختلف از جمله زبان شناسی، روان شناسی و علوم شناختی و در کنارهم قرار دادن همه آنها، جمع بندی کامل تری از موضوع مورد مطالعه که همان شناخت و درک عملکرد ذهن است، حاصل شود. زبان شناسی شناختی<sup>۲</sup> برای کشف حقایق پیچیده ذهنی و برای شناخت آنچه در ذهن می گذرد از روش های غیرمستقیم بهره می برد. یکی از پیچیدگی های ذهنی، شکل گیری واژه ها<sup>۳</sup> و مفاهیم<sup>۴</sup> در ذهن افراد مختلف با خصوصیات شخصیتی و روان شناختی متفاوت و گاه متضاد است.

پژوهش حاضر راهکاری برای شناخت مفهوم واژه به دست می دهد. از آنجا که واژه و شناخت آن در زمره کلیدی ترین و زیربنایی ترین مفاهیم در زبان شناسی محسوب می شود، قطعاً شناخت واژه و کشف زوایای ناشناخته آن از مباحث بااهمیت در زبان شناسی است. سخنگویان زبان از مفاهیم واژه ها دریافتی دارند که به کمک سازوکار مورد استفاده در این پژوهش، زوایای شناخت این مفاهیم روشن می گردد. از دیگر نکات مورد توجه در این پژوهش، پرداختن به تفاوت های فردی و ارتباط آن با ساخت مفاهیم ذهنی می باشد. بنابراین تلاش برای درک بهتر و جامع تر از چگونگی ساخت مفاهیم در ذهن مبتنی بر تفاوت های فردی، آن هم در میان فارسی زبانان، در پیشبرد زبان شناسی شناختی مؤثر است. بررسی ارتباط میان شناخت و شخصیت، از جمله حوزه هایی است که کمتر به آن پرداخته شده است. علی رغم مطالعات اندک انجام شده در حیطه بررسی رابطه بین

<sup>1</sup> cognitive sciences

<sup>2</sup> cognitive linguistics

<sup>3</sup> words

<sup>4</sup> concepts

شخصیت و شناخت، اغلب منابع اصلی در این مقوله و نظریات مطرح شده در آنها، مانند پروین<sup>۱</sup> (۱۹۹۳)، رایکمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) و شالتز<sup>۳</sup> (۱۹۷۶)، به بررسی و شرح تئوری جورج کلی<sup>۴</sup> پرداخته‌اند.

کلی دیدگاهی شناختی درباره شخصیت ارائه داده است. وی در نظریه‌اش که نظریه سازه<sup>۵</sup> نام دارد، بیان می‌کند که واحد مطالعه در تحقیقات شخصیت مفهوم سازه<sup>۶</sup> است. از دید وی، سازه یعنی «روش ساخت یا تعبیر جهان» که به نحوه مقوله‌بندی هر شخص از رخدادهای جهان اشاره دارد. نظریه کلی، نظریه تعبیر شخصی نیز خوانده می‌شود. معیار اساسی او در نظریه یادشده این است که فرد را باید بر اساس ویژگی‌های خاص وی سنجید و به علت آن که صفت‌آزمایی‌های نوعی شخصیت، با این معیار مطابقت ندارد، او خود، آزمونی برای کشف تعابیر شخصی افراد وضع کرد که آزمون مجموعه تعابیر نقش<sup>۷</sup> خوانده می‌شود (پایگاه اینترنتی<sup>۸</sup>).

ذکر این نکته لازم است که اگر چه تورسکی<sup>۹</sup>، باور موریسون<sup>۱۰</sup> و زاکس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) و نیز رید<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۳) از عدم تفاوت افراد مختلف در سطح شناختی در مورد ارتباط بدنی<sup>۱۳</sup> صحبت می‌کنند، گزگین<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۶) در رساله خود نشان داده است که میان برخی از خصوصیات روان‌شناختی و شخصیتی با توانایی ارتباط بدنی و نوع برش زدن جهان خارج تفاوت معناداری وجود دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> Pervin

<sup>2</sup> Ryckman

<sup>3</sup> Schultz

<sup>4</sup> George Kelly's theory

<sup>5</sup> construct theory

<sup>6</sup> construct

<sup>7</sup> role construct test

<sup>8</sup> <http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=32691> (accessed day: 30 April 2011)

<sup>9</sup> Tversky

<sup>10</sup> Bauer Morrison

<sup>11</sup> Zacks

<sup>12</sup> Reed

<sup>13</sup> bodily communication

<sup>14</sup> Gezgin

با توجه به آرای یادشده، در این پژوهش سعی بر آن است تا رابطه میان خصوصیات شخصیتی افراد با شناخت آنها مشخص شود و از نحوه ساخت مفاهیم در ذهن آنان رفع ابهام گردد. پی بردن به آنچه در ذهن می گذرد، از موارد چالش برانگیز در مورد علمی است که با مفاهیم انتزاعی و غیر ملموس سروکار دارند. یکی از روش های کشف ناشناخته های ذهن در این مورد، استفاده از ارتباط بدنی برای به تصویر کشیدن طرحواره های تصویری<sup>۱</sup> و سازوکارهای شناختی است که به نظر می رسد با خصوصیات شخصیتی و روان شناختی آنها ارتباط داشته باشد و البته این فرضیه در نزد فارسی زبانان تاکنون مورد ارزیابی قرار نگرفته است. منظور از ارتباط بدنی، ارتباط غیر کلامی است که افراد با یکدیگر برقرار می کنند که می تواند از فردی به فرد دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد و با اصطلاح زبان بدن<sup>۲</sup> که مربوط به حرکت و حالت های دست و صورت در حین گفتار است، تفاوت دارد.

طرحواره تصویری که از مفاهیم اصلی پژوهش حاضر محسوب می شود، از جمله ساخت های مفهومی حائز اهمیت در زبان شناسی شناختی است. جانسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۷: ۹۳) بیان می کند که طرحواره های تصویری سطح اولیه تری از ساخت شناختی زیربنای استعاره را تشکیل می دهند و امکان تجربیات فیزیکی ما را با حوزه های شناختی پیچیده تری نظیر زبان فراهم می آورند.

مفهوم طرحواره در واقع مفهومی است که از تجربه جسمی شده حاصل می شود. به نظر لیکاف<sup>۴</sup> و جانسون (۱۹۸۰)، پیچیدگی مفهومی ساختار ذهنی حاصل ماهیت جسمی انسان و نوع مفاهیمی است که انسان ها می توانند بسازند. به عبارت دیگر، جسمی شدگی تأثیری مستقیم بر ساخت مفهومی ما دارد و مهم ترین موضوع مورد بحث در جسمی شدگی و ارتباط آن با ساختار مفهومی، همان طرحواره های تصویری هستند (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۴۲).

<sup>۱</sup> image schemata

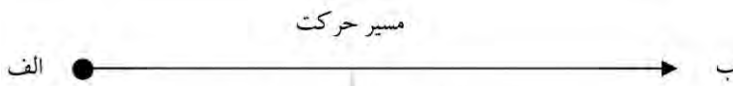
<sup>۲</sup> body language

<sup>۳</sup> Johnson

<sup>۴</sup> Lakoff

جانسون (۱۹۸۷: ۱۲۶) به بیان چند طرحواره تصویری می‌پردازد که از بین آنها می‌توان به طرحواره حرکتی<sup>۱</sup>، طرحواره حجمی<sup>۲</sup> و طرحواره قدرتی<sup>۳</sup> اشاره کرد.

یکی از طرحواره‌های تصویری که جانسون به معرفی آن می‌پردازد، طرحواره حرکتی نام دارد. به اعتقاد جانسون، حرکت انسان و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک تجربه‌ای در اختیار انسان قرار داده تا طرحواره‌ای انتزاعی از این حرکت فیزیکی در ذهن خود پدید آورد و درباره آنچه قادر به حرکت نیست، چنین ویژگی‌ای را در نظر بگیرد. جانسون در این باره از طرح زیر (شکل ۱) بهره گرفته است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۷۵):



شکل ۱. طرحواره حرکتی

حرکت دارای آغاز و پایانی است و می‌تواند در مسیر از نقاطی در حد فاصل میان دو نقطه آغاز و پایان برخوردار باشد. در طرح بالا نقطه آغاز و پایان مسیر با «الف» و «ب» مشخص شده‌اند. مسلماً حرکت از «الف» به «ب» و رسیدن به نقطه «ب» مستلزم گذر از نقاط مختلف مسیر حرکت است. حرکت متضمن گذر زمان است؛ بنابراین رسیدن از نقطه «الف» به «ب» نیازمند زمانی است که می‌تواند به صورت صریح یا ضمنی در طرحواره حرکتی مطرح باشد. در تمامی طرحواره‌های زیر چنین به نظر می‌رسد که مسیری وجود دارد و عناصر معنایی در آن حرکت می‌کنند (همان).

با توجه به نوع پژوهش که مبتنی بر ارتباط بدنی است، ناگزیر حرکت نقش عمده‌ای را در اجراها ایفا می‌کند؛ لذا لزوم بررسی دقیق‌تر این طرحواره و تمایز انواع آن از یکدیگر، نگارنده را بر آن داشت تا سه حالت فرعی این طرحواره را که همگی زیرمجموعه

<sup>1</sup> Path schema

<sup>2</sup> Containment schema

<sup>3</sup> Force schema

طرحواره حرکت محسوب می‌شوند، معرفی نماید. این سه طرحواره عبارتند از: طرحواره گردشی<sup>۱</sup>، طرحواره مسیر<sup>۲</sup> و طرحواره جهت<sup>۳</sup>.

طرحواره گردشی اولین گونه از طرحواره‌های حرکتی است. این طرحواره که حاصل تجربه مشاهده حرکت پدیده‌ها حول یک محور واحد است، دارای مبدأ و مقصد منطبق بر یکدیگر بوده و حرکت به صورت چرخش به دور یک مرکز می‌باشد. طرح زیر نشان‌دهنده این نوع طرحواره است (شکل ۲):



شکل ۲. طرحواره گردشی

دومین گونه از طرحواره‌های حرکتی، طرحواره مسیر است. طرحواره شکل گرفته، به واسطه حرکت در یک مسیر غیر چرخشی که از نقطه‌ای آغاز (مبدأ) و تا نقطه‌ای دیگر پیش می‌رود (مقصد)، می‌باشد؛ لذا این طرحواره دارای سه بخش مبدأ، گذر و مقصد است که در شکل ۳ نشان داده شده است.



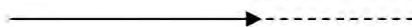
شکل ۳. طرحواره مسیر

<sup>1</sup> Cycle Schema

<sup>2</sup> Source- Path- Goal Schema

<sup>3</sup> Orientation Schema

سومین طرحواره‌ای که به‌عنوان زیربخشی از طرحواره‌های حرکت معرفی می‌شود، طرحواره جهت نام دارد. تفاوت این طرحواره با طرحواره مسیر، در نامشخص بودن مقصد و تأکید صرف بر جهت حرکت است. در شکل ۴ این طرحواره نشان داده شده است.



#### شکل ۴. طرحواره جهت

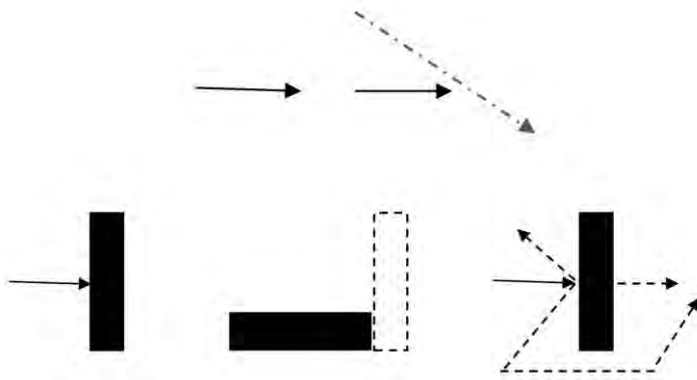
طرحواره حجمی طرحواره دیگری است که به معرفی آن می‌پردازیم. صفوی (۱۳۷۹: ۳۷۴) بیان می‌کند که انسان از طریق تجربه قرار گرفتن در اتاق، تخت، غار، خانه و دیگر مکان‌هایی که دارای حجم بوده و می‌توانند نوعی ظرف تلقی شوند و نیز قرار دادن اشیای مختلف در مکان‌هایی که از حجم برخوردارند، بدن خود را نوعی ظرف دارای حجم در نظر گرفته است و در نتیجه، طرحواره‌های انتزاعی‌ای از احجام فیزیکی در ذهن خود پدید آورده است. در طرح زیر (شکل ۵) که جانسون (۱۹۸۷: ۲۳) آن را ارائه داده است، چیزی درون حجم یا ظرفی قرار دارد:



#### شکل ۵. طرحواره حجمی

سومین طرحواره، طرحواره قدرتی است. گاهی انسان در تجربه خود به موانع و سدهایی برخورد می‌کند که با توجه به امکانات و استعدادهای خود رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهد. همین تجارب در شکل‌گیری طرحواره دیگری به نام طرحواره قدرتی مؤثر بوده است. بر همین اساس، جانسون (۱۹۸۷: ۴۷) چند نوع از این طرحواره‌ها را به صورت طرح‌هایی ارائه داده است (شکل ۶):





شکل ۶. طرحواره‌های قدرتی

با در نظر گرفتن طرحواره‌های فوق، در پژوهش حاضر سعی بر آنیم تا در چارچوب رویکرد لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) که قائل به وجود مفاهیم در ذهن برگرفته از فرضیه بدن محور<sup>۱</sup> هستند، ضمن به تصویر کشیدن واژه‌های ذهنی با بهره بردن از ارتباط بدنی، سازوکارهای شناختی مورد استفاده در این ارتباط‌های بدنی توسط شرکت کنندگان در این تحقیق مشخص شود و ارتباط آنها با خصوصیات شخصیتی و روان‌شناختی آنها شامل درون‌گرایی<sup>۲</sup> / برون‌گرایی<sup>۳</sup>، بهره‌هوشی، اضطراب<sup>۴</sup> و عزت‌نفس<sup>۵</sup> مورد بررسی قرار گیرد؛ هرچند می‌توان در پژوهش‌های آتی به بررسی تأثیر سایر متغیرهای روان‌شناختی نیز پرداخت. نکته قابل توجه در انتخاب این متغیرها، تنوع آنها از لحاظ ذاتی و ژنتیکی بودن و یا شدت و ضعف در تأثیرگذاری محیط بر آنها می‌باشد؛ لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر که به بررسی ارتباط بین طرحواره‌ها و متغیرهای روان‌شناختی می‌پردازد این است که رابطه طرحواره‌های دخیل در ساخت مفاهیم در ذهن در مورد واژه‌های مختلف با متغیرهای روان‌شناختی و شخصیتی شامل درون‌گرایی / برون‌گرایی، بهره‌هوشی، اضطراب و

<sup>1</sup> embodied hypothesis

<sup>2</sup> introversion

<sup>3</sup> extroversion

<sup>4</sup> anxiety

<sup>5</sup> self-esteem

عزت نفس چیست؟ در پاسخ به این سؤال و بر اساس مقدمه پژوهش، فرضیه‌های زیر بررسی می‌شوند:

الف. بین متغیرهای روان‌شناختی درون‌گرایی/ برون‌گرایی و بهره‌هوشی و طرحواره‌های دخیل در ساخت مفاهیم رابطه معناداری وجود دارد.

ب. بین متغیر روان‌شناختی اضطراب و طرحواره‌های دخیل در ساخت مفاهیم رابطه معناداری وجود دارد.

ج. بین متغیر روان‌شناختی عزت نفس و طرحواره‌های دخیل در ساخت مفاهیم رابطه معناداری وجود دارد.

## ۲. روش پژوهش

### ۲.۱. آزمودنی‌ها

در این پژوهش، ۲۰۰ نفر از فارسی‌زبانان همگن به لحاظ سنی و سطح تحصیلات (دانشجویان مقطع کارشناسی) با روش نمونه‌گیری تصادفی، از میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس که همگی در محدوده سنی بین ۱۸ تا ۲۳ سال بودند، برای انجام مرحله اول پژوهش انتخاب شدند. علت انتخاب مقطع سنی یادشده این بود که با توجه به لزوم همگن بودن شرکت‌کنندگان در پژوهش، سعی در محدود کردن محدوده سنی آنها بود که با توجه به لزوم داشتن توانایی اجرای بی‌کلام واژه‌های مورد نظر و ارتباط بدنی با فرد مقابل، انتخاب افرادی با سن پایین‌تر به اخلاص در اجرا می‌انجامید. از طرف دیگر، انتخاب افرادی که از نظر سنی بالاتر از سن دانشجویان معمول کارشناسی باشند و تأثیر حضور بیشتر در اجتماع می‌توانست بر ارتباط بدنی آنان تأثیرگذار باشد. از بین این افراد ۹۵ نفر که صلاحیت لازم جهت شرکت در مرحله دوم پژوهش را داشتند، به روش نمونه‌گیری تقابلی<sup>۱</sup>، به منظور ایجاد امکان مقایسه بین گروه‌های متفاوت، مشخص شدند. منظور از صلاحیت، قرار گرفتن در یکی از گروه‌های چهارگانه‌ای است که بر اساس دو عامل هوش (استدلال قیاسی) و درون‌گرایی/ برون‌گرایی مشخص شدند. در

<sup>1</sup> contrasting sampling method

مرحله اول ۸۴ نفر زن (۴۲٪) و ۱۱۶ نفر مرد (۵۸٪) و در مرحله دوم ۳۲ زن (۳۳/۷٪) و ۶۳ مرد (۶۶/۳٪) در این پژوهش شرکت داشتند. متوسط سن شرکت‌کنندگان ۲۰/۹ سال بود. از آنجا که متغیر جنسیت در این پژوهش لحاظ نشده و صرفاً به تفاوت‌های فردی و شخصیتی جدا از متغیر جنسیت پرداخته شده است، عدم تناسب شرکت‌کنندگان از نظر جنسیت خللی در پژوهش حاضر وارد نمی‌کند و اطلاعات داده‌شده فقط جهت کامل‌تر شدن شناخت از شرکت‌کنندگان است.

## ۲.۲. ابزار

برای تعیین خصوصیات روان‌شناختی، آزمون‌هایی از مؤسسه تحقیقات علوم رفتاری-شناختی سینا<sup>۱</sup> انتخاب شدند که براساس هنجار ایرانی طراحی شده و دارای روایی و اعتبار لازم می‌باشند.

برای تعیین میزان درون‌گرایی / برون‌گرایی شرکت‌کنندگان در پژوهش از آزمون شخصیتی آیزنک<sup>۲</sup>، شامل ۵۷ سؤال بلی / خیر استفاده شد. این آزمون که توسط آیزنک در سال ۱۹۶۴ طراحی شد، بنا بر پژوهش مولوی (۱۳۷۲: ۸) دارای پایایی و اعتبار بوده، کاربرد آن در ایران دارای اعتبار می‌باشد.

جهت تعیین اضطراب حالت- صفت<sup>۳</sup>، آزمون سنجش اضطراب اسپیلبرگر<sup>۴</sup> شامل دو پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی (در مجموع ۴۰ سؤال) استفاده شد. این آزمون که توسط اسپیلبرگر و همکاران در سال ۱۹۸۳ طراحی شد، توسط مهram (۱۳۷۳) مورد هنجاریابی قرار گرفت و پایایی آزمون از طریق فرمول آلفای کرونباخ<sup>۵</sup>، به میزان ۰/۹۴۵۱ محاسبه گردید.

از آزمون عزت‌نفس آیزنک برای تعیین سطح عزت‌نفس شرکت‌کنندگان بهره‌برده شد. این تست شامل ۳۰ سؤال است و بر اساس آزمون‌های سه‌درجه‌ای از طیف

---

<sup>۱</sup> آزمون‌های روان‌شناسی مختلف از وبگاه اینترنتی مؤسسه تحقیقات علوم رفتاری-شناختی سینا به آدرس [www.sinapsycho.com](http://www.sinapsycho.com) در آذرماه ۱۳۸۹ خریداری شده‌اند.

<sup>۲</sup> Eysenk personality inventory

<sup>۳</sup> state- trait anxiety

<sup>۴</sup> Spielberger state/trait anxiety inventory

<sup>۵</sup> Cronbach's alpha

پنج‌درجه‌ای لیکرت شامل سه پاسخ (بلی / نمی‌دانم / خیر) طراحی شده است. این آزمون توسط آیزنک در سال ۱۹۷۶ طراحی شد که بر اساس تحقیق حقیرالسادات (۱۳۸۹) آلفای کرونباخ آن ۰/۷۹ تعیین گردیده است. لازم به ذکر است که هر کدام از آزمون‌های بالا به ۱۰ تا ۱۵ دقیقه زمان نیاز دارد.

آزمون پیشروندهٔ استاندارد ریون<sup>۱</sup> در شناسایی میزان بهرهٔ هوشی (استدلال قیاسی) مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون شامل ۶۰ سؤال ۶ تا ۸ جوابی برای سنجش استدلال قیاسی است که از آسان به مشکل مرتب شده‌اند. نتایج پژوهش طاهری (۱۳۷۳) حاکی از روایی و پایایی کاربرد آزمون در محیط فرهنگی ایران می‌باشد. زمان لازم برای پاسخ‌گویی به سئوالات این آزمون ۴۵ دقیقه بود.

### ۲.۳. روال اجرا

در ابتدای انجام این پژوهش از شرکت‌کنندگان در مرحلهٔ اول آزمون (۲۰۰ نفر) خواسته شد که به آزمون‌های مختلف روان‌شناسی به ترتیب شامل آزمون شخصیتی آیزنک، آزمون سنجش اضطراب حالت- صفت اسپیلبرگر، آزمون عزت نفس آیزنک و آزمون پیشروندهٔ استاندارد ریون با رعایت زمان لازم برای هر آزمون پاسخ دهند.

بنابراین برای تعیین گروه هدف برای شرکت در مرحلهٔ دوم آزمون، ابتدا میانۀ<sup>۲</sup> نمرهٔ خام کل آزمون پیشروندهٔ استاندارد ریون تمامی شرکت‌کنندگان مشخص شد (میانۀ=۵۲) و سپس میانۀ نیمهٔ بالایی و نیمهٔ پایینی تعیین گردید (به ترتیب ۵۵ و ۴۸). به این روش، آزمودنی‌هایی که دارای نمرهٔ خام ۵۵ یا بیشتر از نمرهٔ کامل ۶۰ و در نتیجه بهرهٔ هوشی ۱۲۴ به بالا بوده‌اند، به‌عنوان افرادی با هوش (استدلال قیاسی) بالا و آنهایی که دارای نمرهٔ خام ۴۸ یا کمتر از نمرهٔ کامل ۶۰ و در نتیجه بهرهٔ هوشی ۱۱۱ به پایین بوده‌اند، به‌عنوان افرادی دارای هوش (استدلال قیاسی) پایین شناخته شدند. سپس از بین افراد منتخب از طریق آزمون پیشروندهٔ استاندارد ریون، کسانی که در آزمون شخصیتی آیزنک از لحاظ

<sup>۱</sup> Raven's standard progressive matrices test

<sup>۲</sup> mean

درون‌گرایی / برون‌گرایی، دارای نمره بالاتر از ۵۰ بودند به‌عنوان برون‌گرا و کسانی که دارای نمره زیر ۵۰ بودند به‌عنوان درون‌گرا (برون‌گرایی پایین) انتخاب شدند.

در مرحله بعد، دو عامل هوش (استدلال قیاسی) و درون‌گرایی / برون‌گرایی به‌عنوان عوامل مؤثر در تقسیم‌بندی لحاظ شدند و بر این اساس چهار گروه زیر تشکیل گردید:

الف. آزمودنی‌هایی با هوش بالا و برون‌گرایی بالا (۳۶ نفر (۳۷/۹٪) متشکل از ۱۰ زن و ۲۶ مرد)

ب. آزمودنی‌هایی با هوش بالا و برون‌گرایی پایین (۱۱ نفر (۱۱/۵٪) متشکل از ۶ زن و ۵ مرد)

ج. آزمودنی‌هایی با هوش پایین و برون‌گرایی بالا (۴۰ نفر (۴۲/۱٪) متشکل از ۱۳ زن و ۲۷ مرد)

د. آزمودنی‌هایی با هوش پایین و برون‌گرایی پایین (۸ نفر (۸/۵٪) متشکل از ۳ زن و ۵ مرد)

به‌علاوه شرکت‌کنندگان بر اساس آزمون عزت‌نفس و اضطراب نیز به دو گروه با عزت‌نفس بالا و پایین و نیز اضطراب بالا و پایین تقسیم شدند. همان‌طور که می‌دانیم هرچه تأثیر متغیرهای روان‌شناختی بر یکدیگر را کاهش دهیم، نتایج به‌دست آمده از اعتبار بیشتری برخوردار است. بنابراین با توجه به این که بهره هوشی و درون‌گرایی / برون‌گرایی از بین چهار خصوصیت روان‌شناختی مورد سنجش در این پژوهش در زمره خصوصیات باثبات‌تر شخصیتی تلقی می‌شوند که کمتر تابع شرایط زودگذر محیطی قرار می‌گیرند، تلفیقی از این دو خصوصیت در قالب چهار گروه روان‌شناختی مختلف شکل گرفتند و نقش دو خصوصیت دیگر یعنی عزت‌نفس و اضطراب به‌طور جداگانه مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

بعد از آن، مرحله دوم که شامل اجرای حرکات بدنی به‌منظور ایجاد ارتباط می‌باشد، اجرا شد. در این مرحله، آزمودنی‌ها وظیفه اجرای کلمات و تلاش برای رساندن مفهوم مورد نظر (کلمه ارائه‌شده به آزمودنی) را به شخص مقابل که افرادی غیر از شرکت‌کنندگان در آزمون بودند، بر عهده داشتند.

واژه‌های مورد استفاده بر اساس راهبردهای شناختی ریسی بیتی و پگی (۱۹۹۱) انتخاب شدند که هر کدام از آن راهبرد(راهکار)ها شامل ۵ واژه است (در مجموع ۳۰ واژه). فهرست کلمات داده‌شده به آزمودنی‌ها به قرار زیر است: پرنده، ماهی، اژدها، خواننده، مشت‌زن، زن، درخت، هرم، تندیس (مجسمه)، نان، سرما، گرما، باد، گل‌ولای، روشنایی، تلفن، نمک، وزنه، مداد، شانه، جشنواره، عبادت، تشییع جنازه، عروسی، عاقل، صبر، بزرگسال، سلامتی، زندگی و دروغ.

طرحواره‌های تصویری و پویا، متغیرهایی هستند که در مورد هر اجرا مورد بررسی قرار گرفته، رابطهٔ آن با متغیرهای شناختی اندازه‌گیری‌شده در مرحلهٔ اول پژوهش، ارزیابی گردیدند. این پژوهش به روش همبستگی انجام شد و رابطهٔ بین متغیرهای مختلف روان‌شناسی و شخصیتی با فرایند شناختی اتخاذشده توسط شرکت‌کنندگان در آزمون، با استفاده از نرم‌افزار SPSS 18.0 به‌لحاظ کمی محاسبه گردید.

### ۳. تحلیل داده‌ها

#### ۳.۱. داده‌ها

آنچه در اجراهای آزمودنی‌ها مشاهده شد نشان‌دهندهٔ این مطلب است که از بین ۳۰ واژهٔ مورد نظر، ۱۰ واژه دارای اجرای یکسانی از طرف تمامی شرکت‌کنندگان بوده و در واقع عدم‌استفاده یا استفاده از طرحواره‌های مورد استفاده در اجرای آنها برای تمامی آزمودنی‌ها به نسبت بسیار بالایی مشابه بوده است. به عبارت دیگر، تفاوت‌های فردی از لحاظ خصوصیات روان‌شناختی و شخصیتی تأثیری بر طرحواره‌های دخیل در ساخت مفاهیم در ذهن افراد در مورد واژه‌های مزبور ندارد. این واژه‌ها عبارتند از: پرنده، خواننده، زن، تندیس (مجسمه)، سرما، گرما، تلفن، وزنه، مداد و شانه. از میان این واژه‌ها تنها برای اجرای واژه‌های «پرنده» و «شانه» از طرحوارهٔ مسیر و برای واژه‌های «وزنه» و «مداد» از طرحوارهٔ جهت استفاده شد و بقیهٔ واژه‌ها از طرحوارهٔ خاصی برای ارتباط بدنی بهره نبردند. طرحواره‌های متنوع مورد استفاده برای اجرای سایر واژه‌ها که آزمون‌های آماری بر روی آنها اعمال شد، در شکل ۷ مشاهده می‌شود.

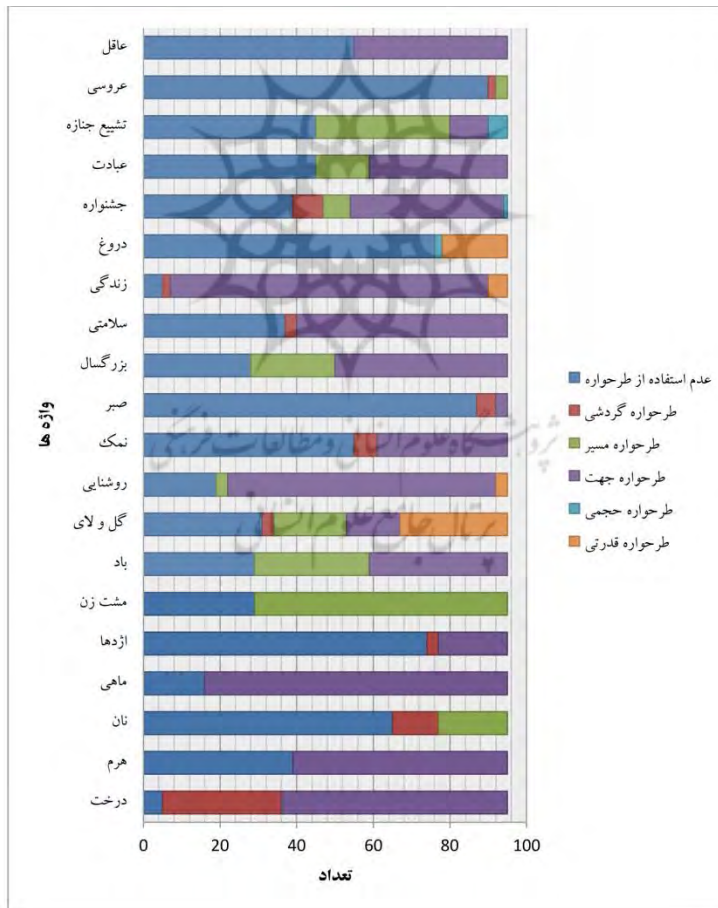
آنچه قابل ذکر است و توجه به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، عدم استفاده از طرحواره در بسیاری از اجراهاست که دلایل آن را می‌توان این‌گونه برشمرد:

الف. ماهیت انتزاعی بعضی واژه‌ها

ب. عدم نیاز به حرکت در اجرای برخی واژه‌ها و در نتیجه عدم مشاهده طرحواره‌ای خاص

ج. عدم توانایی اجرای واژه به دلیل عدم تسلط بر فنون اجرای پانتومیم

اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که عدم استفاده از طرحواره در ۶ واژه (۲۰ درصد) از ۳۰ واژه مورد آزمون یعنی «خواننده، زن، تندیس (مجسمه)، سرما، گرما، تلفن» نشان‌دهنده‌ی هماهنگی و شکل‌گیری یکسان این واژه‌ها در ذهن آزمودنی‌های این پژوهش است.



شکل ۷. طرحواره‌های متنوع مورد استفاده برای اجرای واژه‌ها

### ۲.۳. رابطه طرحواره‌ها با اضطراب

بر اساس داده‌های موجود (تعداد طرحواره‌های مختلف استفاده‌شده توسط افراد با اضطراب بالا و اضطراب پایین)، آزمون مربع کای انجام شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. نتایج آزمون مربع کای در مورد رابطه طرحواره‌ها با اضطراب

ارزش $p$	مربع کای	تعداد افراد		طرحواره‌ها	واژه اجراشده
		اضطراب پایین	اضطراب بالا		
۰/۴۳۱	۱/۶۸۳	۵	۰	عدم استفاده	درخت
		۲۴	۷	گردشی	
		۴۴	۱۵	جهت	
۰/۶۳۲	۰/۲۲۹	۲۹	۱۰	عدم استفاده	هرم
		۴۴	۱۲	جهت	
۰/۴۰۳	۱/۸۱۹	۴۸	۱۷	عدم استفاده	نان
		۹	۳	گردشی	
		۱۶	۲	مسیر	
۰/۵۵۲	۰/۳۵۳	۱۴	۳	عدم استفاده	ماهی
		۵۹	۱۹	جهت	
۰/۰۰۵ *	۱۰/۴۷۹	۵۸	۱۶	عدم استفاده	اژدها
		۰	۳	گردشی	
		۱۵	۳	جهت	
۰/۱۷۷	۱/۸۲۱	۲۸	۵	عدم استفاده	مشت زن
		۴۵	۱۷	مسیر	
۰/۹۱۹	۰/۱۶۸	۲۳	۶	عدم استفاده	باد
		۲۳	۷	گردشی	
		۲۷	۹	جهت	
۰/۰۴۹ *	۹/۵۲۷	۱۹	۱۱	عدم استفاده	گل ولای
		۳	۰	گردشی	
		۱۳	۶	مسیر	



		۱۴	۰	جهت	
		۲۴	۵	قدرتی	
۰/۰۰۶*	۱۲/۵۰۷	۹	۱۰	عدم استفاده	روشنایی
		۳	۰	مسیر	
		۵۸	۱۲	جهت	
		۳	۰	قدرتی	
۰/۳۷۳	۱/۹۷۴	۴۱	۱۴	عدم استفاده	نمک
		۶	۰	گردشی	
		۲۶	۸	جهت	
۰/۲۶۸	۲/۶۳۳	۶۵	۲۲	عدم استفاده	صبر
		۵	۰	گردشی	
		۳	۰	جهت	
۰/۳۶۷	۲/۰۰۵	۱۹	۹	عدم استفاده	بزرگسال
		۱۷	۵	مسیر	
		۳۷	۸	جهت	
۰/۴۸۹	۱/۴۳۰	۲۶	۱۰	عدم استفاده	سلامتی
		۳	۰	گردشی	
		۴۴	۱۲	جهت	
۰/۵۱۳	۲/۲۹۸	۳	۲	عدم استفاده	زندگی
		۲	۰	گردشی	
		۶۵	۱۸	جهت	
		۳	۲	قدرتی	
۰/۵۹۵	۱/۰۳۸	۵۷	۱۹	عدم استفاده	دروغ
		۲	۰	حجمی	
		۱۴	۳	قدرتی	
۰/۲۸۹	۴/۹۸۳	۳۲	۷	عدم استفاده	جشنواره
		۶	۲	گردشی	
		۷	۰	مسیر	
		۲۷	۱۳	جهت	

		۱	۰	حجمی	
۰/۲۰۹	۳/۱۳۴	۳۸	۷	عدم استفاده	عبادت
		۹	۵	مسیر	
		۲۶	۱۰	جهت	
۰/۰۷۳	۶/۹۷۸	۳۷	۸	عدم استفاده	تشیع جنازه
		۲۳	۱۲	مسیر	
		۱۰	۰	جهت	
		۳	۲	حجمی	
۰/۴۵۱	۱/۵۹۱	۶۸	۲۲	عدم استفاده	عروسی
		۲	۰	گردشی	
		۳	۰	مسیر	
۰/۳۹۲	۰/۷۳۲	۴۴	۱۱	عدم استفاده	عاقل
		۲۹	۱۱	جهت	

\* ۰/۰۵ < ارزش  $p$

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نسبت استفاده از طرحواره‌ها تنها در مورد سه واژه «اژدها»، «گل ولای» و «روشنایی» با خصوصیت فردی و روان‌شناختی اضطراب رابطه معناداری دارد که این تفاوت را نیز شاید بتوان با معنا و تداعی‌های آن سه واژه خاص در نظر گرفت و در مورد سایر واژه‌ها این رابطه معنادار نیست. به عبارت دیگر، تنها در ۱۰ درصد از واژه‌های این پژوهش این تفاوت معنادار است (۰/۰۵ < ارزش  $p$ ). در واقع از آنجا که تفاوت معنادار تنها در سه واژه مشاهده شد، و در ۲۷ واژه دیگر تفاوتی مشاهده نشد، می‌توان به عدم تأثیر معنادار این خصوصیت روان‌شناختی بر طرحواره‌های مورد استفاده پی برد و شاید با افزایش تعداد مفاهیم مورد آزمون بتوان به نتایجی دست یافت که تفاوت معنادار در واژه‌های بیشتری مشاهده شود.

### ۳.۳. رابطه‌ی طرحواره‌ها با عزت نفس

بر اساس داده‌های موجود (تعداد طرحواره‌های مختلف استفاده‌شده توسط افراد با عزت نفس بالا و عزت نفس پایین)، آزمون مربع کای انجام شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون مربع کای در مورد رابطه‌ی طرحواره‌ها با عزت نفس

ارزش $p$	مربع کای	تعداد افراد		طرحواره‌ها	واژه اجراشده
		عزت نفس پایین	عزت نفس بالا		
۰/۰۳۰ *	۶/۹۸۸	۰	۵	عدم استفاده	درخت
		۱۲	۱۹	گردشی	
		۱۰	۴۹	جهت	
۰/۱۴۲	۲/۱۵۴	۱۲	۲۷	عدم استفاده	هرم
		۱۰	۴۶	جهت	
۰/۰۶۸	۵/۳۹۰	۱۹	۴۶	عدم استفاده	نان
		۰	۱۲	گردشی	
		۳	۱۵	مسیر	
۰/۲۱۹	۱/۵۱۰	۲	۱۵	عدم استفاده	ماهی
		۲۰	۵۸	جهت	
۰/۰۰۵ *	۱۰/۴۷۹	۱۶	۵۸	عدم استفاده	اژدها
		۳	۰	گردشی	
		۳	۱۵	جهت	
۰/۴۸۸	۰/۴۸۱	۹	۲۴	عدم استفاده	مشت‌زن
		۱۳	۴۹	مسیر	
۰/۱۰۵	۴/۴۹۹	۵	۲۴	عدم استفاده	باد
		۱۱	۱۹	گردشی	
		۶	۳۰	جهت	
۰/۰۰۹ *	۱۳/۴۵۴	۸	۲۲	عدم استفاده	گل‌ولای
		۰	۳	گردشی	

		۳	۱۶	مسیر	
		۸	۶	جهت	
		۳	۲۶	قدرتی	
۰/۰۰۱ <sup>*</sup>	۱۷/۰۵۹	۸	۱۱	عدم استفاده	روشنایی
		۳	۰	مسیر	
		۱۰	۶۰	جهت	
		۱	۲	قدرتی	
۰/۰۸۱	۵/۰۳۰	۱۷	۳۸	عدم استفاده	نمک
		۰	۶	گردشی	
		۵	۲۹	جهت	
۰/۰۰۳ <sup>*</sup>	۱۱/۳۹۱	۱۷	۷۰	عدم استفاده	صبر
		۲	۳	گردشی	
		۳	۰	جهت	
۰/۱۴۶	۳/۸۵۴	۱۰	۱۸	عدم استفاده	بزرگسال
		۳	۱۹	مسیر	
		۹	۳۶	جهت	
۰/۴۵۰	۱/۵۹۷	۷	۲۹	عدم استفاده	سلامتی
		۰	۳	گردشی	
		۱۵	۴۱	جهت	
۰/۴۰۰	۲/۹۴۸	۲	۳	عدم استفاده	زندگی
		۰	۲	گردشی	
		۲۰	۶۳	جهت	
		۰	۵	قدرتی	
۰/۳۳۳	۲/۱۹۹	۱۶	۶۰	عدم استفاده	دروغ
		۰	۲	حجمی	
		۶	۱۱	قدرتی	
۰/۱۱۲	۷/۴۸۵	۸	۳۱	عدم استفاده	جشنواره
		۰	۸	گردشی	
		۳	۴	مسیر	

		۱۰	۳۰	جهت	
		۱	۰	حجمی	
۰/۹۵۹	۰/۰۸۳	۱۱	۳۴	عدم استفاده	عبادت
		۳	۱۱	مسیر	
		۸	۲۸	جهت	
۰/۱۴۴	۵/۴۰۸	۱۲	۳۳	عدم استفاده	تشییع جنازه
		۱۰	۲۵	مسیر	
		۰	۱۰	جهت	
		۰	۵	حجمی	
۰/۴۵۱	۱/۵۹۱	۲۲	۶۸	عدم استفاده	عروسی
		۰	۲	گردشی	
		۰	۳	مسیر	
۰/۰۰۰*	۱۴/۵۲۵	۵	۵۰	عدم استفاده	عاقل
		۱۷	۲۳	جهت	

طبق جدول ۲، در ۲۰ درصد از واژها ارزش  $p$  کمتر از ۰/۰۵ است و در نتیجه تفاوت معناداری در نسبت استفاده از طرحواره‌ها در اجرای واژه‌های «درخت، اژدها، گل‌ولای، روشنائی، صبر، عاقل» بین دو گروه (افراد با اضطراب بالا و پایین) وجود دارد.

### ۳.۴. رابطه طرحواره‌ها با بهره‌هوشی و درون‌گرایی / برون‌گرایی

بر اساس داده‌های موجود (تعداد طرحواره‌های مختلف استفاده‌شده توسط افراد در گروه‌های چهارگانه مطرح‌شده در بخش ۲.۳)، آزمون مربع کای در خصوص ارتباط میان طرحواره‌ها با بهره‌هوشی و درون‌گرایی / برون‌گرایی انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

**جدول ۳. نتایج آزمون مربع کای در مورد رابطه طرحواره‌ها با بهره هوشی و درون‌گرایی/برون‌گرایی**

ارزش $p$	مربع کای	تعداد افراد				طرحواره‌ها	واژه اجرا شده
		گروه د	گروه ج	گروه ب	گروه الف		
۰/۰۰۰ *	۳۱/۶۵۷	۰	۵	۰	۰	عدم استفاده	درخت
		۵	۳	۹	۱۴	گردشی	
		۳	۳۲	۲	۲۲	جهت	
۰/۱۳۲	۵/۶۲۲	۱	۱۶	۳	۱۹	عدم استفاده	هرم
		۷	۲۴	۸	۱۷	جهت	
۰/۰۰۰ *	۳۱/۶۹۶	۱	۳۲	۶	۲۶	عدم استفاده	نان
		۴	۰	۰	۸	گردشی	
		۳	۸	۵	۲	مسیر	
۰/۴۶۵	۲/۵۶۰	۰	۸	۳	۶	عدم استفاده	ماهی
		۸	۳۲	۸	۳۰	جهت	
۰/۰۰۰ *	۲۷/۲۳۰	۵	۳۱	۸	۳۰	عدم استفاده	اژدها
		۰	۰	۳	۰	گردشی	
		۳	۹	۰	۶	جهت	
۰/۱۷۹	۴/۹۰۷	۳	۱۴	۶	۸	عدم استفاده	مشت‌زن
		۵	۲۴	۵	۲۸	مسیر	
۰/۰۰۰ *	۲۵/۰۶۰	۲	۱۶	۰	۱۱	عدم استفاده	باد
		۶	۵	۳	۱۶	گردشی	
		۰	۱۹	۸	۹	جهت	
۰/۰۱۳ *	۲۵/۳۷۵	۰	۱۹	۲	۹	عدم استفاده	گل‌ولای
		۰	۰	۰	۳	گردشی	
		۱	۷	۰	۱۱	مسیر	
		۲	۶	۳	۳	جهت	
		۵	۸	۶	۱۰	قدرتی	
۰/۰۰۰ *	۳۲/۲۱۳	۳	۱۰	۰	۶	عدم استفاده	روشنایی

		۰	۰	۳	۰	مسیر	
		۴	۳۰	۸	۲۸	جهت	
		۱	۰	۰	۲	قدرتی	
۰/۰۰۵ <sup>°</sup>	۱۸/۶۸۷	۱	۲۲	۸	۲۴	عدم استفاده	نمک
		۰	۶	۰	۰	گردشی	
		۷	۱۲	۳	۱۲	جهت	
۰/۰۰۰ <sup>°</sup>	۳۰/۶۲۴	۶	۲۳	۸	۸	عدم استفاده	صبر
		۰	۳	۰	۱۱	گردشی	
		۲	۱۴	۳	۱۷	جهت	
۰/۱۱۵	۱۰/۲۳۵	۳	۱۳	۲	۱۰	عدم استفاده	بزرگسال
		۰	۱۱	۰	۱۱	مسیر	
		۵	۱۶	۹	۱۵	جهت	
۰/۰۰۰ <sup>°</sup>	۳۵/۸۵۰	۳	۲۴	۶	۱۳	عدم استفاده	سلامتی
		۳	۰	۰	۰	گردشی	
		۲	۲۶	۵	۲۳	جهت	
۰/۲۱۱	۳/۲۲۳	۶	۲۳	۸	۸	عدم استفاده	زندگی
		۰	۳	۰	۱۱	گردشی	
		۲	۱۰	۳	۱۰	جهت	
		۰	۴	۰	۷	قدرتی	
۰/۰۰۰ <sup>°</sup>	۴۵/۱۵۷	۵	۴۰	۲	۲۹	عدم استفاده	دروغ
		۰	۰	۰	۲	حجمی	
		۳	۰	۹	۵	قدرتی	
۰/۰۰۰ <sup>°</sup>	۶۰/۹۹۶	۷	۱۲	۰	۲۰	عدم استفاده	جشنواره
		۰	۲	۳	۳	گردشی	
		۰	۲	۵	۰	مسیر	
		۰	۲۴	۳	۱۳	جهت	
		۱	۰	۰	۰	حجمی	
۰/۰۰۲ <sup>°</sup>	۲۰/۳۸۳	۶	۲۳	۸	۸	عدم استفاده	عبادت
		۰	۳	۰	۱۱	مسیر	

		۲	۱۴	۳	۱۷	جهت	
۰/۰۰۲*	۲۵/۹۵۵	۸	۹	۶	۲۲	عدم استفاده	تشییع جنازه
		۰	۲۲	۵	۸	مسیر	
		۰	۷	۰	۳	جهت	
		۰	۲	۳	۳	حجمی	
۰/۰۰۲*	۲۰/۵۵۹	۶	۲۳	۸	۸	عدم استفاده	عروسی
		۰	۳	۰	۱۱	گردشی	
		۲	۱۴	۳	۱۷	مسیر	
۰/۲۴۰	۴/۲۰۵	۲	۲۴	۶	۲۳	عدم استفاده	عاقل
		۶	۱۶	۵	۱۳	جهت	

\* ۰/۰۵ < ارزش p

آنچه در جدول ۳ قابل تأمل است، رابطه معناداری است که در نسبت استفاده از طرحواره‌ها در بین چهار گروه متفاوت از لحاظ بهره‌هوشی و درون‌گرایی / برون‌گرایی در مورد ۴۶/۶۶ درصد از کل واژه‌های پژوهش شده وجود دارد. این تفاوت معنادار در واژه‌های «درخت، نان، اژدها، باد، گل‌ولای، روشنایی، نمک، صبر، سلامتی، دروغ، جشنواره، عبادت، تشییع جنازه، عروسی» مشاهده شد (۰/۰۵ < ارزش p).

#### ۴. نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش مدنظر بود، نوع شکل‌گیری واژه‌ها در ذهن با تأکید بر تفاوت‌های فردی و روان‌شناختی افراد است. برای نیل به این هدف، طرحواره‌های مورد استفاده در ارتباط بدنی افراد با مخاطب خود مورد بررسی قرار گرفت. نکته قابل تأمل در نتایج حاصل شده بیانگر این مطلب است که اگرچه فرضیه‌های این پژوهش به‌طور کامل مورد تأیید قرار ننگرفت ولی نتیجه حاکی از آن است که هرچه از خصوصیات روان‌شناختی کم‌ثبات‌تر و تابع زمان به سمت خصوصیات فردی و شخصیتی غیرقابل‌تغییر حرکت می‌کنیم، میزان تفاوت معنادار در نسبت طرحواره‌های استفاده‌شده در بین گروه‌های مختلف افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، از آنجا که اضطراب نسبت به عزت‌نفس و



عزت نفس نسبت به بهره‌هوشی و درون‌گرایی/برون‌گرایی از ثبات کمتری در شکل‌دهی شخصیت افراد برخوردار است و می‌تواند تابع زمان بوده و به‌مرور دچار تغییر شود، اضطراب و پس از آن عزت نفس، نقش کمتری را در ایجاد تفاوت در شکل‌گیری مفاهیم در ذهن بازی می‌کند. نکته قابل ذکر این است که هرچند با در نظر گرفتن متغیرهای روان‌شناختی مختلف تنها در ۱۰، ۲۰ و یا در بالاترین حالت ۴۶/۶۶ درصد واژه‌ها تفاوت در استفاده از طرحواره‌های مختلف مشاهده شد، ولی تنوع در نوع واژه‌ها از حیث بیان مفهومی انتزاعی یا غیر از آن و به عبارتی مشاهده تفاوت در نوع این واژه‌ها و نیز سیر صعودی تعداد این واژه‌ها با تغییر متغیرهای روان‌شناختی جای تأمل دارد.

مطلبی را که نباید نادیده گرفت این است که با توجه به نتایج حاصل‌شده، بعید نیست بتوان با اعمال تغییر در واژه‌های مورد استفاده و توجه به تفاوت‌های معنایی آنها، تعداد آزمودنی‌ها و توجه به پیشینه ذهنی آنان و نیز سازوکار اتخاذشده یعنی ارتباط بدنی، به نتایجی نزدیک‌تر به فرضیه‌های پژوهش دست یافت و به‌صورت شفاف‌تری از نقش تفاوت‌های فردی در ساخت مفاهیم در ذهن سخن گفت.

## منابع

حقیرالسادات، سیدجمال (۱۳۸۹). بررسی رابطه عزت نفس و تعهد سازمانی در کتابداران کتابخانه‌های وابسته به اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: انتشارات سمت.

صفوی، کوروش (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.

طاهری، محمدرضا (۱۳۷۳). هنجاریابی آزمون ماتریس‌های پیشرفت ریون در گروه دانش آموزان راهنمایی و متوسطه و دانشجویان شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز، دانشگاه شیراز.

مولوی، حسین (۱۳۷۲). «بررسی اعتبار پرسشنامه شخصیتی آیزنک در زمینه خودآگاهی و پذیرش خویشتن». *پژوهش‌های روان‌شناختی*. دوره ۲. شماره‌های ۱ و ۲. صص ۱۰-۳.

مهرام، بهروز (۱۳۷۳). *هنجاریابی آزمون اضطراب اشپیلبرگر در شهر مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

Gezgin, U. Bazar (2006). Relationship of Bodily Communication with Cognitive and Personality Variables. Ph.D. Thesis. Ankara, Middle East Technical University.

Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago and London: The University of Chicago Press.

Pervin, L. A. (1993). *Personality: Theory and Research*. New York: John Wiley and Sons, Inc.

Reed, C. L. (2003). "What Is Body Schema?". *The Imitative Mind: Development, Evolution, and Brain Bases*. A. N. Meltzoff and W. Prinz (eds.). Cambridge: Cambridge University Press. pp. 233-243.

Ricci Bitti, P. E. & I. Poggi (1991). "Symbolic Nonverbal Behavior: Talking through Gestures". *Fundamentals of Nonverbal Behavior*. Robert S. Feldman and Bernard Rimé (eds). Cambridge: Cambridge University Press. pp. 431-457.

Ryckman, R. M. (1978). *Theories of Personality*. New York: D. Van Company.

Schultz, D. (1976). *Theories of Personality*. Monterey, California: Brooks/ Cole Publishing Company.

Tversky, B., J. Bauer Morrison & J. Zacks (2003). "On Bodies and Events". *The Imitative Mind: Development, Evolution, and Brain Bases*. A. N. Meltzoff and W. Prinz (eds.). Cambridge: Cambridge University Press. pp. 221-232.